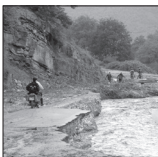


گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است
■ سه شنبه ۲۸ مهر ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۳۲۷۵ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰۰ تومان

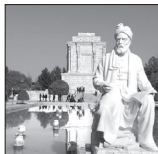
۲



سیل مهرماه ۳۰ همت
خسارت زد



۳



برگزاری جشن مهرگان
و شاهنامه خوانی



۴



وقتی کافی دیگر کافی نیست:
چرا انسان مدرن همیشه بیشتر می خواهد؟



«دستاویز»

انواع زینت آلات دست ساز
اعم از گردن بند، دستبند، گوشواره
با تنوع

۰۹۰۳۹۱۵۴۸۰۷

تحويل درب منزل

یادداشت اول

بی قانونی دولت و قانونگذار

■ ابراهیم حسن بیگی

سه سال پیش دولت مصوبه ای به مجلس داد که در صورت تصویب، حقوق بازنشستگان کشور باید به ۹۰ درصد حقوق شاغلان هم گروه برسد. اسمش را هم گذاشتند همسان سازی. سه سال هم برای اجرا و اتمام آن به دولت فرصت داده شد. این قانون توسط مجلس تصویب و به تایید شورای نگهبان رسید و به دولت ابلاغ شد و دولت از سال ۱۴۰۴ قانون را با سرو صدای زیاد و طرح حمایتی ملی، به صورت مرحله ای اجرا کرد و حقوق بازنشستگان بین ۹ تا ۱۷ میلیون افزایش یافت. و این عدالت حقوقی تا حدودی برای بازنشسته های به روز سیاه نشسته، تا اندازه ای اندک، مرحوم درد بود. اما... اما در وزارت آموزش و پرورش اتفاقی عجیب و باور نکردنی رخ داد. آن هم در بین قشری که ستون اداری و مالی و برنامه ریزی های آموزشی محسوب می شد، گفتند فعلا فقط معلمان و کادر فرهنگی مشمول این قانون است. خبری از همسان سازی باز نشسته های اداری نیست. با وجود صراحت قانون. دولت با وعده و وعید اجرای آن را به تاخیر انداخته در حالی که فقط ۵ ماه تا پایان سال و پایان مهلت قانونی اجرای این قانون باقی نمانده است. در این بین بیش از ۶۰۰ بازنشسته سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی که مسئولیت سنگین تالیف کتب درسی و کمک آموزشی را به عهده داشتند، هنوز همسان سازی نشده اند. این تبعیض آشکار در یک وزارتخانه را باید چه بنامیم؟ آیا اگر دولت یا مجلس، وزیر و رییس سازمانه برنامه و بودجه را برکنار نکنند، چگونه باید جواب بیش از یک میلیون بازنشسته اداری را بدهند؟ حالا اگر این قانون برای کل بازنشسته ها اجرایی شد، حکایت چیز دیگری بود اما اینکه قانون اجرا شود و فقط بخش ناچیزی از بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش نادیده گرفته شوند، آیا قانون، شرع و نهج البلاغه ورد زبان آقای پزشکيان نیست؟ امسال آخرین سال اجرای این قانون نیمه تمام است. بدیهی است جا ماندگان این طرح می توانند دیوان عدالت اداری را به چالش بیندازند. یا مجلس را متقاعد کنند که وزیر آموزش و پرورش را مجبور به اجرای قانون و یا استیضاح کنند. البته همه این ها شدنی به نظر نمی رسد، اما اگر این قانون اجرا نشود، و زمان اجرایش هم بگذرد، شاهد یکی از صدهای عدالتی دولت خواهیم بود. و در شرایط کنونی بازنشستگان همسان سازی نشده، چاره ای جز سکوت و نگرین ندارند و حاضر نیستند باقیمانده جان خسته و جسم بیمارشان را به خطر بیندازند و انگ همراهی با دشمن روی پیشانی شان بنشیند.

نویسنده



منطقه آزاد اینچه برون
پردرآمد، اشتغالزا و امیدآفرین

« ۸ »



تولید در پناه خورشید
راهکار یک فعال اقتصادی در گلستان

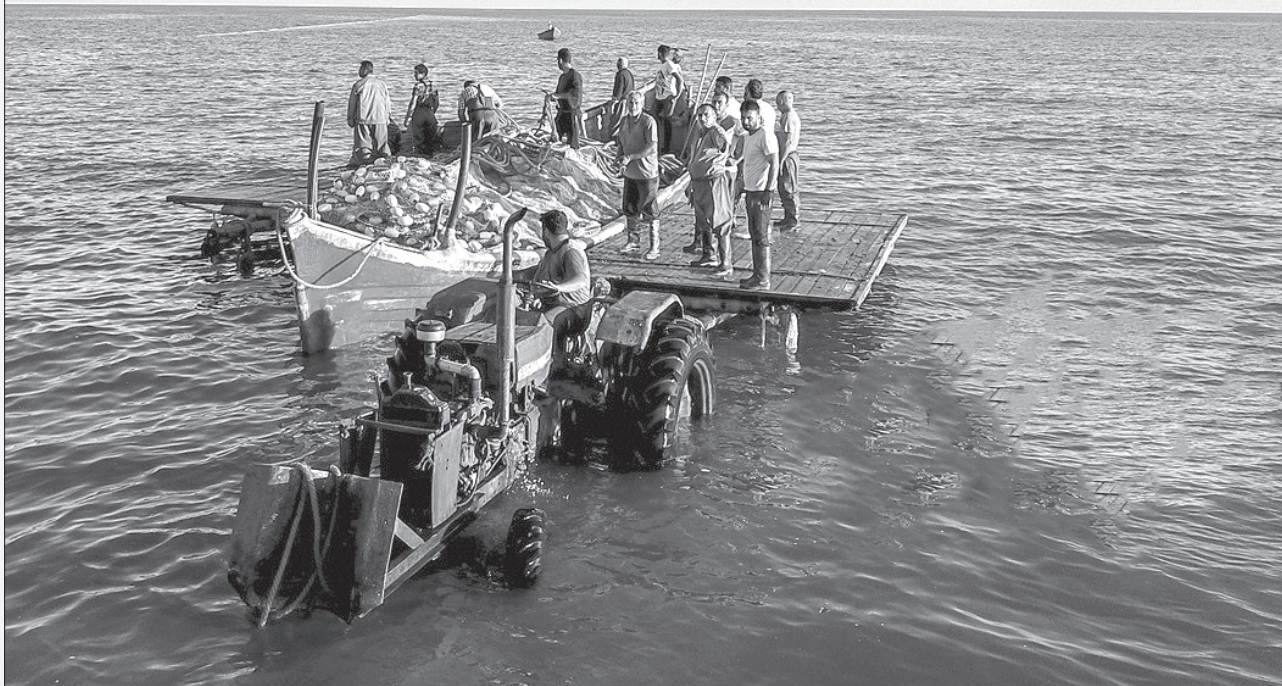
« ۶ »



درخشش تیم وزنه برداری
استان

« ۵ »

گلستان و اقتصاد ناکام دریایی



دریایی گلستان به کسب و کارهای بزرگ، پایدار و زنجیره ساز تبدیل نشده اند. خواجه نفس نمونه قابل تاملی است. ایجاد یک بندر تجاری در این نقطه سال هاست در ادبیات توسعه گلستان مطرح است، اما تا امروز به بندری با نقش تعیین کننده در تجارت استان تبدیل نشده است. این تجربه یک واقعیت اقتصادی را آشکار می کند و آن این است که آنچه برای سرمایه گذار اهمیت دارد توجیه اقتصادی پروژه است.

ادامه در صفحه ۲

دلیل نتوانسته است این ظرفیت را به یک زنجیره ی اقتصادی قدرتمند و پایدار تبدیل کند. بخشی از این ناکامی البته به جغرافیا باز می گردد. خلیج گرگان سال هاست با کاهش تراز آب و مسائل هیدرولوژیک دست و پنجه نرم می کند اگر چه برنامه احیای آن در دستور کار است. چنین وضعیتی طبیعتا هزینه و ریسک فعالیت های بندری، گردشگری و برخی فعالیت های دریایی را بالا می برد. اما اگر همه مشکل را به وضعیت خلیج نسبت دهیم، بخش مهم تری از واقعیت را نادیده گرفته ایم؛ زیرا حتی در حوزه هایی که محدودیت طبیعی کمتر است، ظرفیت های

فاطمه سراوانی - گلستان استانی برخوردار از ظرفیت دریایی است. بیش از ۹۰ کیلومتر نوار ساحلی (در برخی منابع تا ۱۳۰ کیلومتر ذکر شده است)، خلیج گرگان، ظرفیت شیلات و آبی پروری، مجتمع چهار هزار هکتاری پرورش میگوی گمیشان و موقعیت جغرافیایی در حاشیه خزر، مجموعه ای از مزیت هایی است که در بسیاری از مناطق کشور وجود ندارد. با این حال، سهم این ظرفیت ها در تولید ثروت، اشتغال پایدار و جذب سرمایه گذاری در استان همچنان با آنچه از یک اقتصاد دریامحور انتظار می رود فاصله بسیار دارد. گلستان، دریا دارد، ساحل دارد اما به هر

منافع خصوصی، هزینه های عمومی

باز هم ابتدا تصمیم بگیریم و بعد مردم را با پیامدهای آن تنها بگذاریم؟ هر کسی که درس ساختمان خوانده باشد می داند که هر ساختمان بلند، جمعیت بیشتری را به یک محدوده تحمیل می کند و به همان نسبت، آب، برق، فاضلاب، خیابان، پارکینگ، خدمات آتش نشانی و امداد رسانی بیشتری می خواهد.

ادامه در صفحه ۲

که امروز، در برابر تصمیم های مهم و اثرگذار بر آینده شهرها، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. به عنوان عضوی از جامعه مهندسين استان گلستان و کارشناس ارشد عمران، نمی توانم در برابر تصویب طرح بلندمرتبه سازی در گرگان سکوت کنم. مسئله مخالفت با بلندمرتبه سازی نیست؛ مسئله این است که آیا واقعا برای این تصمیم، همه جوانب فنی، عمرانی، زیست محیطی و اجتماعی بررسی شده یا قرار است

نام نویسنده محفوظ است

پیش از هر چیز، از دغدغه مندی روزنامه وزین گلشن مهر و تلاش مدیران این مجموعه فرهنگی برای انعکاس صدای مردم و رساندن مطالبات آنان به گوش مسئولان، صمیمانه قدردانی می کنم. بی تردید، رسانه ای که پرسش های جامعه را بازتاب می دهد و زمینه مطالبه گری عمومی را فراهم می کند، نقشی ارزشمند در صیانت از منافع شهروندان دارد؛ نقشی

ادامه تیتراول



میگوی گلستان سخن گفته است؛ نشانه‌ای روشن از اینکه حلقه پس از تولید، هنوز یکی از مهم‌ترین میدان‌های توسعه‌ی این صنعت است. بنابراین نمی‌توان به صراحت گفت که مشکل فقط نبود سرمایه است. در تیرماه ۱۴۰۵، برای طرح‌های شیلاتی استان شش هزار میلیارد ریال تسهیلات در نظر گرفته شد و در مهرماه نیز از توافق برای فراهم شدن ظرفیت ۲.۵ همت تسهیلات در طرح‌های مرتبط با اقتصاد دریامحور سخن گفته شد. اما آیا استان به اندازه کافی

پروژه دارد که سرمایه‌گذار بتواند در آن، بازار، زنجیره تامین، زیرساخت و بازگشت سرمایه را هم‌زمان ببیند؟ اینجاست که مسئله حکمرانی اهمیت پیدا می‌کند. معاون اقتصادی استاندار گلستان در مهرماه از طولانی بودن برخی فرآیندهای اداری و نیاز به تفویض اختیار بیشتر به استان برای تسریع سرمایه‌گذاری سخن گفته است. این موضوع را باید جدی گرفت؛ زیرا سرمایه‌گذاری دریایی معمولاً سرمایه‌بر، بلندمدت و وابسته به مجوزهای متعدد است. هرچه زمان

بندر بدون بار پایدار، بازار مشخص، دسترسی مناسب، شبکه‌ی حمل‌ونقل و چشم‌انداز روشن بازگشت سرمایه، حتی اگر از نظر جغرافیایی جذاب باشد، الزاماً مقصد سرمایه نمی‌شود. در نقطه‌ی مقابل، میگوی گلستان نشان می‌دهد که هرچا تولید، زیرساخت و بازار به یکدیگر نزدیک شده‌اند، ظرفیت اقتصادی واقعی شکل گرفته است. در سال ۱۴۰۵ برداشت میگو از ۱۳۲ مزرعه مجتمع گلستان آغاز شده و شیلات گلستان تولید بیش از چهار هزار تن را پیش‌بینی کرده است. اما حتی این موفقیت نیز یک پرسش مهم‌تر را پیش روی استان می‌گذارد که چه مقدار از ارزش نهایی این محصول در خود گلستان خلق می‌شود؟

پاسخ اما در زنجیره‌ی ارزش است. تولید میگو به‌تنهایی اقتصاد دریامحور نمی‌سازد. تکثیر، خوراک، تجهیزات، فرآوری، بسته‌بندی، زنجیره سرد، حمل‌ونقل، برند و صادرات حلقه‌هایی هستند که می‌توانند ارزش اقتصادی یک محصول را چند برابر کنند. اتفاقاً در شهریور امسال، مدیریت استان از ظرفیت ایجاد دو هزار شغل در زنجیره‌ی فرآوری

ادامه تیتراول دوم



اگر این ظرفیت‌ها از قبل تامین نشده باشد، نتیجه این است که ساختمان‌ها بلندتر می‌شوند، اما مشکلات شهر هم قد می‌کشند.

سوال من از مسئولان این است که آیا پیش از تصویب این طرح، ظرفیت واقعی زیرساخت‌های گرگان به‌طور دقیق بررسی شده است؟ مطالعات ترافیکی انجام شده؟ ارزیابی زیست‌محیطی چه می‌گوید؟ چه کسی پاسخ‌گوی تبعات احتمالی افزایش تراکم بر زندگی مردم خواهد بود؟ چرا اسناد و جزئیات این تصمیم به‌روشنی در اختیار افکار عمومی قرار نمی‌گیرد؟

اما به باور من، مسئله فقط کارشناسی و فنی نیست؛ پای منافع اقتصادی نیز در میان است. افزایش تراکم می‌تواند ارزش بعضی زمین‌ها و املاک را به‌شدت تغییر دهد و امتیاز اقتصادی بزرگی برای برخی مالکان و سازندگان ایجاد کند. بنابراین، نمی‌توان چشم بر این واقعیت بست که چنین تصمیمی ممکن است به سود عده‌ای تمام شود و هزینه‌هایش را همه شهروندان بپردازند.

صریح می‌گویم، بعید است مدیران ارشد و مسئولان تصمیم‌گیر از پیامدهای افزایش تراکم بدون توسعه متناسب زیرساخت‌ها بی‌خبر باشند. پس اگر با وجود

این مخاطرات، بر اجرای طرح و تسریع در بهره‌برداری از آن اصرار می‌شود، حق مردم است که بپرسند چه کسانی از این تصمیم سود می‌برند و منافع عمومی دقیقاً کجای این معادله قرار دارد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش باید اسناد روی میز باشد و مسئولان شفاف توضیح دهند. تازمانی که اطلاعات کافی منتشر نشده، نگرانی درباره تامین منافع خاص به‌جای منافع عمومی، نگرانی قابل چشم‌پوشی نیست.

از نگاه یک کارشناس عمران، هیچ طرحی صرفاً به دلیل تصویب‌شدن، کارشناسی و بی‌خطر نمی‌شود.

باید ظرفیت شبکه فاضلاب، تامین آب، وضعیت معابر، امکان دسترسی خودروهای امدادی، ایمنی حریق، شرایط زمین و ملاحظات لرزه‌ای بررسی شود. اینها تشریفات اداری نیستند که بتوان برای سرعت‌بخشیدن به پروژه از کنارشان گذشت؛ پای امنیت و آسایش مردم در میان است. اگر واقعاً کمبود زمین مسئله اصلی گرگان است، چرا ابتدا سراغ احیای بافت‌های فرسوده، استفاده از زمین‌های رهاشده داخل شهر و بازآفرینی شهری نرویم؟ چرا باید پیش از روشن‌شدن همه ابعاد موضوع، افزایش ارتفاع را راه‌حل اصلی

بدانیم؟ حفاظت از زمین‌های پیرامونی شهر، هدفی ارزشمند است، اما نمی‌توان به بهانه آن، مشکلات تازه‌ای در دل شهر ایجاد کرد. از استانداری، شهرداری و شورای شهر انتظار می‌رود متن کامل مصوبه، نقشه محدوده‌های مشمول، مطالعات فنی و ترافیکی، ارزیابی زیست‌محیطی و ضوابط دقیق تراکم و ارتفاع را منتشر کنند. مردم باید بدانند چه تغییری قرار است در شهرشان اتفاق بیفتد و چه کسی مسئول تامین هزینه زیرساخت‌های مورد نیاز خواهد بود. آقایان مسوول، گرگان، آزمایشگاهی برای تصمیم‌های پر هزینه شما نیست، توسعه شهری زمانی ارزشمند است که زندگی مردم را بهتر کند، نه اینکه ارزش زمین عده‌ای را بالا ببرد و در مقابل، ترافیک، کمبود خدمات و فشار بر زیرساخت‌ها را برای همه به جا بگذارد. بنده به‌عنوان عضو جامعه مهندسان استان، معتقدم پیش از هرگونه شتاب در اجرای این طرح، باید پاسخ پرسش‌های فنی و اقتصادی داده شود. اگر طرح به سود مردم است، مسئولان از انتشار اسناد و دفاع کارشناسی از آن نترسند. اما اگر قرار باشد منافع احتمالی گروهی محدود بر مصلحت عمومی مقدم شود، سکوت در برابر چنین تصمیمی پذیرفتنی نیست.

با احترام
عضوی از جامعه مهندسان استان گلستان
کارشناس ارشد عمران

جاده‌ها، زیرساخت‌ها و ابنیه فنی، مسکن، آب و برق و مخابرات شهرستان‌های درگیر استان باشیم. استاندار گلستان با تاکید بر اینکه ستاد اجرایی، بنیاد علوی و کمیته امداد باید در کنار مردم قرار گیرند و نماینده مردم شرق استان در مجلس هم از بنیادها در سطح ملی مطالبه‌گری کند، بیان کرد: این بنیادها که از محل فروش امکاناتی که در استان وجود دارد ارتزاق و در سطح ملی از آن استفاده می‌کنند باید امروز که سیل به منطقه خسارت زده در کنار مردم باشند. بیشترین بارش ثبت شده ۱۸ و ۱۹ مهر در گلستان با ۱۴۷ میلی‌متر مربوط به روستای «قلعه قافه بالا» شهرستان مینودشت است و بعد از آن بیشترین بارش‌ها در ساسنگ و دوزین مینودشت به ترتیب با ۱۲۰ و ۹۶ میلی‌متر، جعفرآباد و جلین گرگان به ترتیب با ۱۰۰ و ۹۱ میلی‌متر، زرین گل علی‌آبادکنول با ۱۰۰ و فارسیان و کیارام گالیکش با ۷۵ میلی‌متر ثبت شد. همچنین بارندگی‌های اوایل مهر ماه گلستان که بیشترین آن با ۱۰۳ میلی‌متر در روستای «نارلی آجی‌سو» مراوه‌تپه بارید، باعث جریان یافتن سیلاب و بروز برخی خسارت‌ها به زیرساخت‌ها و خانه‌های مردم منطقه شد.

و ۵۰۰ میلیارد تومان خسارت به حوزه‌های مختلف زیرساختی استان به ویژه در مناطق شرقی شد. به گزارش روابط عمومی، عبدالغفور غراوی اظهارکرد: بخش عمده خسارت‌های سیل در این مدت به زیرساخت‌های حوزه کشاورزی، راه، مسکن شهری و روستایی، شهرداری و آب منطقه‌ای شهرستان‌های مینودشت، گالیکش، کلاله و مراوه‌تپه بوده است. وی افزود: بیشترین خسارت سیل ماه جاری با حدود ۲ هزار میلیارد تومان در حوزه جهاد کشاورزی استان گلستان گزارش شده و در سایر حوزه‌ها مانند راه ۶۵۰ میلیارد تومان، آب منطقه‌ای ۵۰۰ میلیارد تومان، بنیاد مسکن ۱۵۰ میلیارد تومان و آب و فاضلاب ۸۰ میلیارد تومان خسارات داشتیم. پیش‌تر استاندار گلستان هم در بازدید از مناطق سیل‌زده مینودشت با تاکید بر اینکه اعتبارات استانی به تنهایی جوابگوی خسارات سیل نیست، از مدیران دستگاه‌های اجرایی خواست از ظرفیت منابع و اعتبارات ملی برای کمک به جبران خسارات استفاده کنند. علی‌اصغر طهماسبی اظهارکرد: اعتبارات استانی آنقدر زیاد نیست که بتوانیم جوابگوی خسارت سیل به کشاورزان،

سیل مهرماه ۳.۵ همت خسارت زد

مدیرکل مدیریت بحران استانداری گلستان گفت: چندین دوره بارندگی‌های شدید و جریان یافتن سیل در مهرماه باعث بروز سه هزار

حرف مردم

مثل خاله غریبه کن

هر دم از این باغ بری می‌رسد
تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد

در خبرها آمده بود که دولت قیمت اینترنت را ۴۰ درصد افزایش داده است. اولین پرسشی که با شنیدن این خبر به ذهن می‌رسد این است که: با کدام کیفیت؟ آیا

همین اینترنت فیلتر شده‌ی قطره‌چکانی را با حرکت لاک‌پشتی‌اش ۴۰ درصد افزایش قیمت داده‌اند؟ یا این‌که بالاخره عاقلی در این جمع پیدا شد و فیلترینگ را برداشته و بر سرعت اینترنت افزوده است؟ حال بگذریم که اینترنت پُرسرعت بدون فیلتر حق مردم است نه امتیازی که دولت به آنان بدهد و در ازای آن بر قیمت بیفزاید و همین حالا هم جسته و گریخته از زبان این و آن می‌شنویم که در صورت بروز جنگ آن را قطع می‌کنند، همان‌طور که بعد از ماجرای دی‌ماه و بعد از آن جنگ، به مدت ۸۸ روز تمام قطع بود و هیچ‌کس حاضر به پاسخ‌گویی در باره‌اش نبود!

دوستی تعریف می‌کرد وقتی اینترنت قطع شد او هنوز ۱۰۵ گیگ از حجم و دو ماه و چند روز از دوره‌ی یک‌ساله‌اش باقی بود. این دوره‌ی یک ساله تمام شد و چندین بار از مخابرات برای او پیامک فرستادند که

نسبت به تمدید دوره اقدام کند وگرنه ممکن است دیگر نتواند از آن استفاده کند. این دوست مجدداً مبلغی برای یک دوره‌ی یک‌ساله‌ی دیگر واریز کرد، اما هنوز اینترنت قابل استفاده نبود. بعد از ۸۸ روز که وصل شد، هرچه تلاش کرد تا آن ۱۰۵ گیگ اینترنت دود شده و به هوا رفته را زنده کند، نشد که نشد. با مراجعه به بخش بازرسی و ریاست مخابرات برای آنان استدلال می‌کرد که اینترنت را من‌که قطع نکرده‌ام، بلکه شما قطع کرده‌اید و حالا هم باید حجم استفاده نشده را که برایش پول پرداخت کرده‌ام به من بازگردانید، اما این حرف و استدلال ساده به گوش کسی فرو نرفت! حالا با این وضعیت و در شرایطی که هر روز بیم آن می‌رود که دوباره قطع شود، به میزان ۴۰ درصد بر قیمت آن افزوده‌اند. با کدام محاسبه؟

دولت هر روز دم از تورم می‌زند و از آن گلابه‌مند

است و مردم هم با پوست و گوشت و خون خود آن را احساس می‌کنند و هیچ چاره‌ای برای مقابله نمی‌بینند، اما در این میان چرا دولت هرساله و گاهی سالی دو بار بر قیمت خدمات خود می‌افزاید و به‌نوعی به این موج بی‌مه‌ار تورم دامن می‌زند؟ نان از یک‌سو، بنزین از سوی دیگر. اینترنت از یک طرف و هزینه‌های آب و برق و گاز و تلفن از طرف دیگر و... در واقع دولت به مثابه الگویی تمام‌عیار درآمده است تا دیگر بخش‌ها هم به مصداق ضرب‌المثل «نیگا به دست خاله کن / مثل خاله غریبه کن» آنان هم به تاسی و پیروی از دولت مردمی بر نرخ‌ها بیفزایند و پوست مردم را غلفتی بکنند. شکیبایی این مردم تا کجا قرار است ادامه یابد؟ آستانه‌ی تحمل و بردباری مردم دیگر به‌سر آمده است. تا دیر نشده فکری به حال آن بکنید.

تیر از کمان چو رفت...

برگزاری جشن مهرگان و شاهنامه‌خوانی

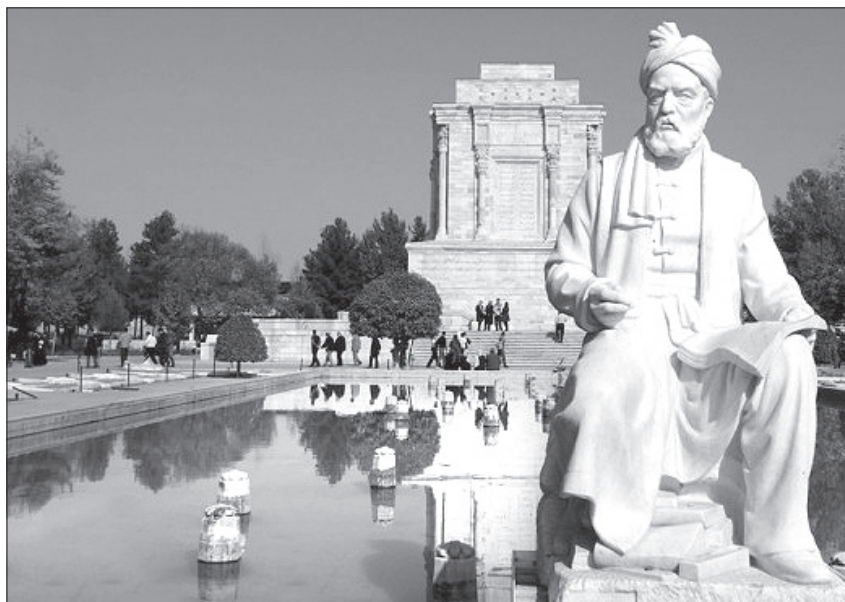
نیایش در کنار آتش؛ پایان‌بخش آیین مهرگان

در واپسین بخش برنامه، با افروختن آتش، نیایش جمعی خوانده شد و حاضران در فضایی سرشار از همدلی و معنویت، در این آیین همراه شدند.

آتش در فرهنگ و اسطوره‌های ایرانی، از جایگاهی ویژه برخوردار است و با روشنائی، گرما و زندگی پیوند دارد. گردآمدن در کنار آتش و خواندن نیایش، در فضای این جشن، یادآور ارج نهادن به روشنائی و امید و پاسداشت پیوند انسان با جهان پیرامون خویش بود.

این بخش از برنامه، پایانی نمادین و دلنشین برای گردهمایی مهرگانی رقم زد؛ گردهمایی‌ای که در آن، شعر و موسیقی، روایت و سخن، فرهنگ پهلوانی و نیایش، در کنار یکدیگر قرار گرفتند تا جلوه‌هایی از میراث دیرپای ایران‌زمین را به نمایش بگذارند.

در پایان، از حاضران پذیرایی شد و این نشست فرهنگی در فضایی آکنده از مهر و صمیمیت به کار خود پایان داد.



اجرای «سلطان قلب‌ها» نیز با حال‌وهوای عاشقانه و آشنای خود، بر لطافت فضای این گردهمایی افزود.

هنرنمایی این نوجوان، بار دیگر نشان داد که موسیقی، همچون شعر و روایت، زبانی فراتر از واژه‌هاست؛ زبانی که می‌تواند احساسات مشترک را بیدار کند، دل‌ها را به هم نزدیک سازد و در یک محفل فرهنگی، لحظاتی از شادی و همدلی بیافریند.

نیکویی؛ پیوند فرهنگ، پهلوانی و منش انسانی

در بخش دیگری از این نشست، میزبان شماری از اعضای زورخانه پوریای ولی بودیم؛ میهمانانی که حضورشان، فرصتی برای پیوند میان فرهنگ و ادب با سنت پهلوانی ایران فراهم آورد.

در این بخش، پیشکسوت ورزش باستانی، جناب ملا موسایی سخنانی با موضوع نیکویی ایراد کردند و بر اهمیت نیکویی و ارزش‌های اخلاقی در زندگی انسان پرداختند. در فرهنگ ایرانی، پهلوانی تنها به نیروی جسمانی و توان بازو محدود نمی‌شود؛ بلکه جوانمردی، فروتنی، دستگیری از دیگران، راست‌کرداری و نیک‌اندیشی، از بنیادهای منش پهلوانانه به شمار می‌آیند. از همین رو، فرهنگ زورخانه‌ای ایران را می‌توان یکی از جلوه‌های پیوند ورزش، اخلاق و هویت فرهنگی دانست؛ سستی که در آن، پرورش تن با تربیت جان و ارج نهادن به فضیلت‌های انسانی همراه است.

حضور اعضای زورخانه پوریای ولی در این نشست، یادآور این حقیقت بود که فرهنگ ایرانی در جلوه‌های گوناگون خود، از شاهنامه و شعر گرفته تا موسیقی، نقالی و آیین‌های پهلوانی، بر ارزش‌هایی مشترک تکیه دارد؛ ارزش‌هایی که نیکویی، مهرورزی و پاسداشت کرامت انسان در شمار برجسته‌ترین آن‌هاست.

نقالی نوجوانان؛ روایت مهرگان با زبان شاهنامه

یکی از بخش‌های دلنشین این نشست، اجرای نقالی به دست دو نوجوان هنرمند، شادان بنی‌کمالی و آراد کرابی، بود که بخش مربوط به جشن مهرگان را برای حاضران روایت کردند. نقالی، این هنر دیرپای ایرانی، از شیوه‌های ارزشمند انتقال داستان‌ها، حماسه‌ها و یادمان‌های تاریخی و اسطوره‌ای به شمار می‌رود؛ هنری که در آن، روایت و نمایش با شور و آهنگ کلام درهم می‌آمیزند و میراث ادبی ایران را از دل کتاب‌ها به میان مردم می‌آورند.

حضور نقالان نوجوان در این برنامه، جلوه‌ای امیدبخش از تداوم سنت‌های فرهنگی ایران بود. هنگامی که نسل جوان با شور و علاقه به روایت میراث نیاکان خود می‌پردازد، می‌توان امیدوار بود که چراغ فرهنگ و ادب این سرزمین همچنان روشن بماند و روایت‌های کهن، سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل، به آینده راه یابند.

اجرای این دو نوجوان، بار دیگر اهمیت فراهم آوردن فرصت برای شکوفایی استعدادهای نسل نو در عرصه فرهنگ و هنر را یادآور شد؛ نسلی که می‌تواند با شناخت ریشه‌های خویش، روایتگر شایسته داستان‌ها و ارزش‌های ایران‌زمین باشد.

از «ای ایران» تا «سلطان قلب‌ها»؛ نوای موسیقی در جشن مهرگان

در ادامه نشست، نوجوان هنرمند، شه‌داد کرابی، با اجرای زیبایی دو قطعه موسیقایی «ای ایران» و «سلطان قلب‌ها»، لحظاتی دلنشین برای حاضران رقم زد.

اجرای قطعه میهنی «ای ایران»، یادآور پیوند عاطفی ایرانیان با سرزمین و هویت فرهنگی خویش بود؛ سرزمینی که تاریخ، زبان، ادبیات، آیین‌ها و هنرهایش، میراث مشترک نسل‌های پی‌درپی است. در کنار آن،

علی مکتبی - هشتاد و چهارمین نشست شاهنامه‌خوانی خردسرای فردوسی گلستان، در ساعت ۱۵:۳۰ روز یکشنبه، نوزدهم مهرماه، با حضور جمعی از دوستداران ادب و فرهنگ ایرانی، در فضایی آکنده از مهر و همدلی، در باغ تمشک گلستان، واقع در ورودی جاده روستای سیدمیران، برگزار شد. این نشست فرهنگی با محوریت بزرگداشت جشن کهن مهرگان، فرصتی دیگر برای گردهمایی دوستداران فرهنگ ایران‌زمین و پاسداشت آیین‌هایی فراهم آورد که در گذر سده‌ها، همچنان پیام‌آور دوستی، دادگری، نیکویی و همبستگی‌اند.

آیین بزرگداشت با خوش‌آمدگویی مجری و خیرمقدم به حاضران آغاز شد. در آغاز برنامه، روز جهانی دختر گرامی داشته شد و سپس با مقدمه‌ای درباره جشن‌های باستانی ایران، زمینه برای آشنایی بیشتر حاضران با پیشینه و جایگاه آیین‌های کهن ایرانی فراهم آمد؛ آیین‌هایی که هر یک جلوه‌ای از جهان‌بینی نیاکان ما و بازتابی از پیوند ژرف انسان با طبیعت، روشنائی، شادی و زندگی بوده‌اند.

مهرگان؛ جشن مهر، داد و سپاسگزاری

در ادامه برنامه، دکتر فریبا براتی به سخنرانی درباره فلسفه جشن‌های باستانی ایران و چگونگی شکل‌گیری جشن مهرگان از سه دیدگاه طبیعی، اسطوره‌ای و مذهبی پرداختند. ایشان با اشاره به جایگاه جشن‌های ایرانی در حافظه تاریخی و فرهنگی ملت ایران، بر اهمیت شناخت و پاسداری از این میراث گران‌سنگ تأکید کردند. دکتر براتی جشن مهرگان را از سه دیدگاه طبیعی، اسطوره‌ای و مذهبی مورد بررسی قرار داد.

جشن مهرگان، به‌عنوان یکی از جشن‌های دیرپای ایرانی، یادآور ارزش‌هایی چون مهرورزی، دوستی، سپاسگزاری، همدلی و پاسداشت نیکویی است؛ ارزش‌هایی که در جهان‌بینی ایرانی جایگاهی بنیادین دارند و در روزگار ما نیز می‌توانند چراغ راه زندگی فردی و اجتماعی باشند.

مهرگان تنها یادگاری از روزگاران دور نیست؛ بلکه فرصتی برای بازخوانی معنای مهر در زندگی امروز ماست. گرامی‌داشت چنین آیین‌هایی، افزون بر زنده نگه‌داشتن خاطره نیاکان، زمینه‌ای برای پیوند نسل‌های امروز با ریشه‌های فرهنگی خویش فراهم می‌آورد و به ما یادآوری می‌کند که پاسداری از فرهنگ، در گرو شناخت، بازآفرینی و انتقال آگاهانه آن به نسل‌های آینده است.

شعر؛ زبانی برای بازگفتن مهر و دوستی

پس از سخنرانی، بانو فریما محمودی با خوانش شعری با موضوع مهر و دوستی، جلوه‌ای دیگر از زیبایی و لطافت ادبیات فارسی را به این محفل فرهنگی بخشیدند.

شعر فارسی، از دیرباز، زبان بیان عمیق‌ترین عواطف انسانی و بازتاب‌دهنده آرمان‌هایی چون محبت، همدلی، وفاداری و نیک‌اندیشی بوده است. خواش این شعر، در فضای مهرگانی نشست، یادآور این حقیقت بود که مهر، نه تنها در آیین‌های کهن، بلکه در واژه‌ها و سروده‌های شاعران نیز حضوری ماندگار دارد؛ مهری که دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و از انسان‌ها، همراهانی همدل می‌سازد.

این جلسات برای همه علاقمندان رایگان است.

خرج کردن نیست؛ می‌تواند به سرمایه تبدیل شود و سرمایه نیز برای باقی ماندن در میدان رقابت، باید افزایش یابد (مارکس، ۱۸۶۷).

به زبان ساده:

پول → سرمایه‌گذاری → تولید → ارزش بیشتر → سرمایه‌گذاری بیشتر

در چنین شرایطی، بیشتر فقط یک خواست شخصی نیست؛ به بخشی از منطق نظام اقتصادی تبدیل می‌شود. سرمایه باید رشد کند، تولید باید گسترش یابد و بازار باید بزرگ‌تر شود. اما این فرایند فقط کارخانه‌ها و بازارها را تغییر نمی‌دهد؛ افق خواسته‌های انسان را نیز گسترش می‌دهد.

مارکس این فرایند را فقط یک مکانیزم اقتصادی نمی‌دید. از نظر او، سرمایه‌داری نه‌فقط کالا تولید می‌کند، بلکه نیاز نیز تولید می‌کند. کالاهای بیشتری تولید می‌شوند، سبک‌های زندگی تازه شکل می‌گیرند و نیازهای جدیدی پدیدار می‌شوند. بنابراین، پرسش فقط این نیست که انسان چه می‌خواهد؛ باید پرسید چه سازوکارهایی به او می‌آموزند که چه چیزی بخواهد؟

زیمل؛ وقتی انتخاب بیشتر، مقایسه بیشتر می‌آورد گئورگ زیمل در تحلیل خود از اقتصاد پولی نشان می‌دهد که گسترش مبادلات پولی، امکان انتخاب و تنوع در زندگی مدرن را افزایش می‌دهد (زیمل، ۱۹۰۰؛ ۲۰۰۴). امروز با انتخاب‌های بی‌شماری روبه‌رو هستیم: چه بخوریم؟ کجا زندگی کنیم؟ چه بپوشیم؟ چه شغلی داشته باشیم؟ کجا سفر کنیم؟ چه چیزی بخریم؟ چگونه خودمان را به دیگران نشان دهیم؟

در ظاهر، این یعنی آزادی بیشتر. اما انتخاب بیشتر، یک پیامد دیگر هم دارد: مقایسه بیشتر. وقتی امکان‌های بیشتری برای زندگی وجود دارد، امکان مقایسه خودمان با دیگران نیز بیشتر می‌شود. انسان دیگر فقط با آنچه

«

وقتی کافی دیگر کافی نیست:

چرا انسان مدرن همیشه بیشتر می‌خواهد؟



غلامرضا خوش فر

مقدمه

شاید یکی از عجیب‌ترین تناقض‌های زندگی امروز این باشد که انسان، در مقایسه با بسیاری از نسل‌های گذشته، امکانات بیشتری دارد؛ اما لزوماً احساس نمی‌کند که بیشتر از گذشته کافی دارد. خانه‌ها بزرگ‌تر شده‌اند، اما نگرانی درباره مسکن همچنان ادامه دارد. راه‌های ارتباطی گسترده‌تر شده‌اند، اما تنهایی از میان نرفته است. کالاها و خدمات بیشتری در دسترس‌اند، اما میل به داشتن همچنان پایان ندارد. اطلاعات ما بیشتر شده، اما نگرانی درباره آینده کمتر نشده است. پس شاید مسئله فقط آنچه داریم نباشد؛ مسئله این باشد که در جامعه مدرن، داشتن به بیشتر داشتن تبدیل شده است. اینجاست که یک پرسش ساده اما مهم شکل می‌گیرد: چه زمانی انسان می‌تواند بگوید: کافی است؟

از نیاز تا میل

نیاز معمولاً مرزی دارد. انسان گرسنه با غذا سیر می‌شود و برای سرما به سرپناه نیاز دارد. اما میل، برخلاف نیاز، الزاماً نقطه پایان روشنی ندارد. خانه بزرگ‌تر، خودروی بهتر، شغل پردرآمدتر، موقعیت اجتماعی بالاتر و سبک زندگی جذاب‌تر، می‌توانند پس از دستیابی نیز دوباره موضوع خواستن شوند.

البته این مرز چندان هم ساده نیست. آنچه ما نیاز می‌نامیم، خود تا حد زیادی محصول جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. نیاز به خانه‌ای بزرگ‌تر، وقتی در شهری زندگی می‌کنیم که مسکن به نشانه موفقیت تبدیل شده، دیگر فقط یک نیاز زیستی نیست؛ یک نیاز اجتماعی است. به همین دلیل، تفکیک ساده میان نیاز واقعی و میل کاذب همیشه ممکن نیست.

پپچیدگی از جایی آغاز می‌شود که انسان دیگر فقط خودش را با نیازهایش مقایسه نمی‌کند؛ بلکه خودش را با دیگران مقایسه می‌کند. آنچه دیروز برای من کافی بود، ممکن است امروز، وقتی زندگی دیگری را می‌بینم، ناکافی به نظر برسد. در این معنا، کافی بودن فقط یک واقعیت اقتصادی نیست؛ یک واقعیت اجتماعی است.

مارکس؛ وقتی بیشتر به یک ضرورت تبدیل می‌شود

کارل مارکس در تحلیل سرمایه‌داری، توجه ویژه‌ای به منطق انباشت داشت. در این منطق، پول فقط برای

فرد ممکن است چیزی را نه به این دلیل بخواهد که واقعاً به آن نیاز دارد، بلکه به این دلیل که نمی‌خواهد از دیگران عقب بماند. در اینجا میل، اجتماعی می‌شود. ما فقط آنچه را می‌خواهیم که خودمان انتخاب کرده‌ایم؛ بخشی از خواسته‌های ما را نیز جامعه به ما یاد می‌دهد که بخواهیم.

نکته مهم بورديو این است که این تمایز فقط یک بازی فردی نیست. این تمایزها ساختارهای طبقاتی را بازتولید می‌کنند. وقتی مصرف به نشانه منزلت تبدیل می‌شود، کسانی که به آن نشانه‌ها دسترسی ندارند، نه‌فقط از یک کالا، بلکه از احترام اجتماعی نیز محروم می‌شوند.

وبر؛ وقتی رقابت وارد زندگی روزمره می‌شود

ماکس وبر نشان می‌دهد که جامعه مدرن چگونه بیش از پیش بر محاسبه، برنامه‌ریزی، کارآمدی و نظم استوار می‌شود (وبر، ۱۹۰۵؛ ۲۰۰۲). امروز برای تقریباً همه چیز برنامه داریم: برای تحصیل، شغل، درآمد، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، آینده فرزندان و دوران بازنشستگی. این برنامه‌ریزی البته ضروری است. مسئله زمانی آغاز می‌شود که برنامه‌ریزی برای زندگی، جای خود زندگی کردن را بگیرد. ممکن است آن‌قدر برای فردا آماده شویم که امروز را فراموش کنیم. آن‌قدر برای آینده پس‌انداز کنیم که تمام سال‌های جوانی مان در انتظار آینده سپری شود. آن‌قدر نگران عقب ماندن باشیم که حتی وقتی به موفقیتی می‌رسیم، نتوانیم از آن احساس رضایت کنیم.

وبر این وضعیت را قفس آهنین عقلانیت ابزاری می‌نامد. نظامی که برای کارآمدی بیشتر ساخته شده بود، به نیرویی تبدیل می‌شود که خودش بر زندگی ما حکومت می‌کند. به این ترتیب، فشارهای اجتماعی به



دارد زندگی نمی‌کند؛ با آنچه می‌توانست داشته باشد نیز، زندگی می‌کند.

زیمل به نکته عمیق‌تری هم اشاره می‌کند: در زندگی مدرن، فرهنگ عینی (کالاها، نهادها و امکانات) سریع‌تر از فرهنگ ذهنی (توانایی ما برای جذب، هضم و معنادر آن‌ها) رشد می‌کند. این شکاف، اضطراب ویژه‌ای تولید می‌کند؛ احساسی از اینکه هرگز نمی‌توانیم به همه آنچه در دسترس است برسیم. و شاید بخشی از اضطراب زندگی مدرن از همین‌جاست: ترس از اینکه شاید می‌توانستیم زندگی دیگری داشته باشیم.

بورديو؛ وقتی مصرف به نشانه منزلت تبدیل می‌شود پیر بورديو یک گام دیگر به این تحلیل اضافه می‌کند. از نظر او، آنچه مصرف می‌کنیم، می‌پوشیم، می‌خوریم یا حتی شیوه سخن گفتن و گذراندن اوقات فراغت، فقط انتخاب‌های شخصی نیستند؛ این انتخاب‌ها می‌توانند نشانه‌ای از جایگاه اجتماعی ما باشند (بورديو، ۱۹۸۴). خانه فقط محل زندگی نیست؛ می‌تواند نشانه منزلت باشد. لباس فقط پوشش نیست؛ می‌تواند نشانه تمایز باشد. سفر فقط تفریح نیست؛ می‌تواند بخشی از سبک زندگی و سرمایه فرهنگی فرد باشد. در نتیجه،

دائمی فاصله میان آنچه دارم و آنچه باید داشته باشم است. ممکن است درآمد ما بیشتر شود، اما همزمان استاندارد زندگی مان نیز بالاتر برود. ممکن است امکانات بیشتری داشته باشیم، اما چیزهای بیشتری هم برای از دست دادن داشته باشیم. در نتیجه، رفاه بیشتر الزاماً به معنای احساس امنیت بیشتر نیست.

این پدیده در ادبیات اقتصادی به دویدن روی تردمیل لذت معروف است: انسان به سرعت به دستاوردهای جدید عادت می‌کند و سطح شادی‌اش به سطح قبلی بازمی‌گردد. بنابراین، برای حفظ همان سطح شادی، باید

دائم بدود؛ اما هرگز به جایی نمی‌رسد.

آیا مشکل، حرص انسان است؟

شاید وسوسه شویم همه این ماجرا را با یک کلمه توضیح دهیم: حرص. اما این توضیح کافی نیست. اگر انسان مدرن دائماً احساس کند باید بیشتر داشته باشد، باید دید این احساس چگونه ساخته می‌شود. جامعه‌ای که در آن رشد اقتصادی ارزش محسوب می‌شود، بازار دائماً گسترش می‌یابد، مصرف به نشانه منزلت تبدیل می‌شود و افراد دائماً با یکدیگر مقایسه می‌شوند، طبیعی است که فشار برای بیشتر بودن را نیز افزایش دهد. بنابراین مسئله فقط این نیست که انسان چه می‌خواهد. پرسش مهم‌تر این است: چه ساختارهایی به انسان می‌آموزند که چه چیزی را بخواهد؟

آیا باید کمتر بخواهیم؟

البته پاسخ را نمی‌توان در دعوت ساده به قناعت خلاصه کرد. قرار نیست انسان از پیشرفت، رفاه، ثروت یا آرزوهای بزرگ دست بکشد. مسئله، نفی میل نیست؛ شناخت میل است.

گاهی بد نیست از خودمان پرسیم:

- ۱- اگر دیگران این چیز را نداشتند، آیا باز هم آن را می‌خواستیم؟
- ۲- آیا برای بهتر زندگی کردن تلاش می‌کنم یا برای بهتر دیده شدن؟
- ۳- آیا آینده را می‌سازم یا از ترس آینده، امروز را قربانی می‌کنم؟
- ۴- و شاید مهم‌تر از همه: آیا هنوز می‌دانم چه زمانی کافی است؟

آزادی شاید توانایی گفتن کافی است باشد

در جهانی که دائماً ما را به بیشتر خواستن دعوت می‌کند، شاید یکی از دشوارترین اشکال آزادی، توانایی توقف باشد؛ نه از سر ناتوانی، بلکه از سر انتخاب.

اینکه بتوانیم بگوییم:

- می‌توانم بیشتر داشته باشم، اما لزوماً نمی‌خواهم.
- می‌توانم بیشتر کار کنم، اما همه زندگی‌ام کار نیست.
- می‌توانم بیشتر مصرف کنم، اما مصرف بیشتر الزاماً زندگی بهتر نیست.
- می‌توانم آینده را جدی بگیرم، بدون اینکه امروز را به پای آن قربانی کنم.

شاید کافی به معنای کم داشتن نباشد. کافی یعنی لحظه‌ای که انسان میان بیشتر داشتن و بهتر زندگی کردن تفاوت می‌گذارد.

البته این راه‌حل فردی، بدون تغییرات ساختاری کامل نیست. اگر نظام اقتصادی و فرهنگی ما دائماً بیشتر را پادشاه دهد، کافی گفتن یک انتخاب فردی دشوار و شکننده باقی می‌ماند. اما همین انتخاب فردی، وقتی تکرار شود، می‌تواند به یک خواست جمعی تبدیل شود: خواست جامعه‌ای که در آن، کافی نه یک شکست، بلکه یک انتخاب آگاهانه باشد.

و شاید یکی از رادیکال‌ترین اشکال آزادی در جهان امروز همین باشد: توانایی گفتن کافی است در جهانی که دائماً از ما می‌خواهد بیشتر بخواهیم.

منابع محفوظ است .

عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی و ارتباطات، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان

حسی، نمی گنجد، وادهمیان تا آن زمان که دریند تند، راهی بدان نمی توانند جست، واز آن تنها نامی می توانند شنید،) نامه باستان صفحه ۱۷۰، و در صدر همان صفحه از حضرات خمسه وکلمات ملکوت، جبروت، لاهوت، وهاهوت، یاد میکند، که مربوط به عرفان ابن عربی است، واین واژگان در زمان فردوسی نبوده‌اند در هر صورت استاد کزازی راهی دور ودراز رفته‌اند وجناب دکتر کزازی خوداستاد بلاغت‌اند بهتر از هرکسی می داند، که مصرع دوم (خداوند روزی ده رهنمای) بیانگر این است که مصرع دوم درتتمه مصرع اول است، وبه عبارت دیگر قرینه درون متنی و سیاق و سباق بیت ها مانع از این است که مراد از نام، جهان ملکوت، باشد، بلکه مراد لازم معنی آن است که منزلت و مکانت می باشد.

استاد دانشگاه



و خرد، همانند رابطه درخت و میوه است به بیان دیگر جان به منزله‌ی ظرفی است برای خرد، و پیوند جان و خرد از قبیل پیوند اتحادی است نه انضمامی، و حکیم فردوسی دارد از موهبت های خداوند بحث، می کند واز دو نعمت عظیم و چشم گیر که جان و خرد باشد نام می برد و می گوید بهتر و بالاتر از این نمی توان خداوند را ستایش کرد، در ادامه ی بیت اول می گوید از جمله ی الطاف و نواخت های الهی این است که به انسان نام و منزلت می بخشد، و نام کنایه از ارج و منزلت است و جایی، هم کنایه از مقام و مکانت است، اعم از از جایگاه اجتماعی یا معنوی، به بیان دیگر خداوند به انسان نعمت ها و موهبت های زیادی بخشیده از ا جمله اعطای وجود و خرد و منزلت های ظاهری و معنوی و اعطای روزی و هدایت های مختلف در زمینه های مختلف، و مراد از واژه نام لازم معنی آن است، که ارجمندی و عزت است، حال لازم به ذکر است، که آقای دکتر کزازی، در توضیح این بیت نوشته اند،(از دید من نام در این بیت، در معنی مینو به کار برده است جهانی که گوهر، و گونه آن اندیشه است و جهانی پیراسته و فروری که در تنگنای دریافت های

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای
خداوند روزی ده رهنمای

فلاسفه و متکلمان در تعریف حیات که همان جان باشد گفته اند: حیات، قوه ای است که میدا و منشا، حس و حرکت ارادی است یا قوه ای است، که تابع اعتدال نوع، است زیرا چهار عنصر و چهار مزاج یعنی پروت و حرارت و ویوس و رطوبت، باهم تضاد دارند، باید باهم اعتدال بیابند تا مزاج معتدل، پدید بیاید در نتیجه صورت نوعی، بر آن وارد شود و زمینه فراهم شود، برای آفرینش حیات، پس نتیجه می گیریم که حیات، مسبوق و مشروط به بدن و مزاج معتدل و روح حیوانی است، روح حیوانی، همان اخلاط اربعه است، که از ترکیب آنها، جسم لطیف بخاری نامرئی پدید می آید. (شرح المواقف جلد هشتم بحث جسم،) پس نتیجه می گیریم که حیات مشروط و مسبوق، به مقوماتی چون بنیه و اعتدال و روح حیوانی است، و خرد نیز همان، فصل ممیز انسان یا قوه ناطقه است، که انسان را از دیگر جانداران متمایز می کند، و رابطه جان



گزارشی در مورد جان و خرد در شاهنامه فردوسی



محمد علی خالیدان

درخشش تیم وزنه برداری استان

- بهرام کیانی (دسته ۹۵ کیلوگرم)
- بنیامین بالاخلی (دسته ۱۱۰ کیلوگرم)
- علی محمدی (دسته ۱۱۰+ کیلوگرم)

مدال های برنز:

- محمد طاهای مکتبی (دسته ۸۵ کیلوگرم)
- نیما میانرودی (دسته ۱۱۰+ کیلوگرم)

در کنار این مدال آوران، ورزشکاران امیرحسین فرح و عزیز الله سنگدوینی نیز به عنوان اعضای تیم گلستان در این رقابت ها حضور داشتند. لازم به ذکر است مربیگری تیم بر عهده سیاوش شاکری و سرپرستی آن را محسن اسماعیلی عهده دار بودند.



تیم وزنه برداری استان گلستان در جریان مسابقات قهرمانی شرق کشور که با میزبانی شهرستان جاجرم و در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵ برگزار شد، با عملکردی ستودنی موفق به کسب عنوان نایب قهرمانی تیمی گردید. به گزارش روابط عمومی هیأت وزنه برداری استان گلستان، این تیم که متشکل از ۸ وزنه بردار بود، موفق به کسب ۶ مدال رنگارنگ شد و جایگاه دوم را از آن خود کرد. در این رقابت ها، تیم خراسان رضوی مقام قهرمانی و تیم خراسان شمالی مقام سوم را کسب کردند. مدال آوران تیم استان گلستان به شرح زیر است:

مدال های نقره:

- ابوالفضل قدیمی (دسته ۷۵ کیلوگرم)



آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی



بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان در نظر دارد

- ۳- صلاحیت های مورد نیاز: * گواهی نامه صلاحیت ایمنی پیمانکاران * صلاحیت های مرتبط مطابق اسناد مناقصه
- ۴- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه: پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴
- ۵- آخرین مهلت تحویل اسناد: پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۹
- ۶- تاریخ بازگشایی اسناد: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰
- ۷- طریقه دریافت اسناد:

الف) از طریق مراجعه به آدرس: گرگان - میدان بسیج - سایت اداری - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان - طبقه دوم - امور قراردادها

ب) از طریق پایگاه ملی مناقصات به آدرس: iets.mporg.ir

ج) از طریق درگاه اینترنتی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان به آدرس: golestan.bonyadmaskan.ir

۸- نام دستگاه مناقصه گز: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان

۹- نشانی دستگاه مناقصه گز: استان گلستان - گرگان - میدان بسیج - سایت اداری - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

۱۰- تلفن تماس: ۳۲۴۳۵۰۳۲ - ۱۵۰۱۷ خلی ۱۹۶ (واحد امور قراردادها و کنترل پروژه)

اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان - شناسه آگهی ۲۳۰۶۸۱۷

اجرای کلید تحویل بلوک ۵۶ واحدی شماره ۵ (از مرحله تکمیل کارهای باقیمانده تا کلید تحویل) پروژه ۴۸۸ واحدی طرح نهضت ملی مسکن آرامش گرگان (بصورت با مصالح) را براساس فهرست بهاء ابنیه، تاسیسات برقی و مکانیکی سال ۱۴۰۴ را به شرح جدول زیر از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی به مناقصه گران واجد شرایط واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه، برآورد اولیه و مبلغ تضمین:

موضوع مناقصه	شهر	برآورد اولیه - ریال	مبلغ تضمین - ریال	ساعت بازگشایی
اجرای کلید تحویل بلوک شماره ۵	گرگان	۳۴۵/۰۲۷/۹۳۰/۴۴۲	۱۷/۲۵۲/۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰

۲ - مبلغ تضمین شده در مناقصه باید به یکی از صورتهای مشروحه زیر به دستگاه مناقصه گزار تسلیم شود:

الف - ضمانتنامه بانکی

ب - وجه نقد به حساب شماره ۰۲۰۱۱۶۹۷۱۰۰۳ بانک ملی شعبه شهید بهشتی به نام بنیاد مسکن استان گلستان
• مدت اعتبار تضمین های فوق باید حداقل سه ماه پس از تاریخ افتتاح پیشنهادها بوده و برای سه ماهه دیگر نیز قابل تمدید باشد و علاوه بر آن ضمانت نامه های بانکی باید طبق فرمهای مورد قبول، تنظیم شود.

تولید در پناه خورشید

راهکار یک فعال اقتصادی در گلستان

سرپرست اداره کل صنعت، معدن و تجارت گلستان در این زمینه گفت: به تازگی نشست هماهنگی ایجاد کنسرسیوم انرژی در استان توسط اتاق بازرگانی گران با حضور معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان و جمعی از فعالان اقتصادی استان برگزار شد تا طرح مطالعاتی و جانمایی ساخت آن ضمن بررسی، هرچه سریع تر به مرحله اجرایی برسد. فراهاد زارع افزود: برای تامین مالی راهکار مختلف دیده شده که پست بانک نیز قرار است تا ۴۰۰ میلیارد ریال در این حوزه برای سرمایه گذاری اعلام آمادگی کند که این حمایت بانکی، انگیزه و مشوق برای ورود فعالان اقتصادی استان در تامین پایدار انرژی مورد نیاز تولید باشد. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان نیز معتقد است: تشکیل کنسرسیوم انرژی راهی برای استفاده مشترک از ظرفیت واحدهای صنعتی، کاهش ریسک سرمایه گذاری و جلوگیری از خاموشی های ناخواسته در شهرک ها و نواحی صنعتی استان است.

عبدالعلی کیان‌مهر افزود: تشکیل کنسرسیوم انرژی توسط بخش خصوصی در استان، گامی مهم و قابل اتکا برای مدیریت چالش‌های انرژی است چون باتوجه به شرایط موجود، بهترین مسیر برای جبران کمبودها ورود جدی و هماهنگ بخش خصوصی در قالب سرمایه‌گذاری‌های کوچک، سریع و هدفمند است. وی با اشاره به سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی خورشیدی را از مطمئن‌ترین و پربازده‌ترین حوزه‌ها به شمار می‌رود و در این استان تا پایان سال ظرفیت حدود ۲۵۰ مگاوات انرژی خورشیدی وارد مدار می‌شود که از این مقدار، تاکنون ۹۳ مگاوات فعال شده و چندین طرح انرژی خورشیدی از سوی سرمایه‌گذاران نیز در دست اجرا است. کیان‌مهر تأکید کرد: استانداری گلستان با برگزاری نشست‌های پایش و تسهیل پروژه‌های خورشیدی به‌صورت دوهفته‌یک‌بار، تأمین زمین و تسهیل پرداخت تسهیلات برای سرمایه‌گذاران این حوزه را پیگیری می‌کند. با این وجود، توسعه این رویکرد نوین در شهرک‌ها و نواحی صنعتی گلستان به‌ویژه در واحدهایی که دارای فضای مناسب پشت‌بام هستند، می‌تواند بخشی از فشار ناشی از ناترازی برق را کاهش دهد و زمینه استمرار تولید، حفظ اشتغال و افزایش تاب‌آوری اقتصادی واحدهای صنعتی را فراهم کند. پایداری برق در واحدهای تولیدی و صنعتی شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان گلستان با بهره‌گیری از ظرفیت انرژی خورشیدی می‌تواند ضمن تضمین پایداری تولید، اشتغال پایدار بیش از ۱۰ هزار نفر را حفظ کند.



درباره پیشنهاد تامین برق واحدهای تولیدی از طریق بورس انرژی نیز گفت: در شرایطی که قطعی برق روزانه به یک چالش جدی تبدیل شده، تامین برق از بورس می‌تواند هزینه بسیار سنگینی به واحدهای تولیدی تحمیل کند و تعرفه آن برای بسیاری از تولیدکنندگان، رقمی نجومی است. گلستان هزار و ۴۵ واحد تولیدی دارای پروانه بهره‌برداری با میزان مصرف حدود ۱۰۰ مگاوات دارد که میزان مصرف برق ۶۵۰ واحد فعال در ۲۴ شهرک و ناحیه صنعتی استان در ساعات اوج مصرف حدود ۶۰ مگاوات می‌رسد.

میلیارد ریال سرمایه نیاز دارد. رحمانی ادامه داد: با این شرایط کنونی و به دلیل محدودیت نقدینگی، اجرای طرح انرژی خورشیدی در سایر واحدهای خود را به صورت مرحله‌ای برنامه‌ریزی کرده است تا سامانه خورشیدی به عنوان پشتیبان تامین انرژی، به تدریج در سایر واحدهای تولیدی نیز توسعه پیدا کند. وی معتقد است: واحدهای تولیدی برای حفظ اشتغال و استمرار فعالیت خود، باید به دنبال راهکارهای پایدار برای تامین انرژی باشند و انرژی خورشیدی یکی از بهترین گزینه‌های موجود در این زمینه است. این تولیدکننده

در شرایطی که ناترازی برق و خاموشی‌ها، فعالیت بسیاری از واحدهای تولیدی را با اختلال مواجه کرده است، یک فعال اقتصادی گلستانی با اجرای سامانه انرژی خورشیدی در شهرک صنعتی آق‌قلا، گام عملی خود را برای مدیریت تامین برق واحدهای تولیدی خود و کاهش وابستگی به شبکه سراسری برداشت. به گزارش ایرنا، حسین رحمانی، مدیرعامل یک شرکت پویا و فعال در حوزه تولید دارو، مکمل، کسناستره و محصولات موردنیاز صنعت دام و طیور در گلستان، نخستین تولیدکننده این استان است که انرژی خورشیدی را به یکی از واحدهای تولیدی خود در شهرک صنعتی آق‌قلا رسانده است. وی گفت: ایده استفاده از انرژی خورشیدی برای تامین برق واحدهای تولیدی، پس از طرح موضوع ایجاد کنسرسيوم انرژی از سوی اتاق بازرگانی گرگان در تابستان امسال، در ذهن شکل گرفت و تصمیم گرفتم برای اجرای این ایده منتظر تحقق کنسرسيوم نامند و به‌صورت مستقل کار خود را آغاز کنم. رحمانی برای اجرای طرح در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از طرح ایده مزبور و با انتخاب یک مشاور تخصصی، فرآیند طراحی و راه‌اندازی سامانه خورشیدی را آغاز کرد به طوری‌که در مدت یک هفته نیز به بهره‌برداری رساند و این سامانه اکنون یک خط تولید و بخش اداری یکی از ۶ واحد تولیدی خود را تحت پوشش قرار داده و بخشی از برق موردنیاز این مجموعه را تامین می‌کند. در مرحله نخست طرح مزبور، ۶۶ پنل خورشیدی با ظرفیت تولید حدود ۳۵ تا ۴۰ کیلووات در محل نصب شده و برای اجرای آن نیز حدود ۵۰ میلیارد ریال از محل آورده شخصی سرمایه‌گذاری شده است. به گفته رحمانی با توجه به خسارت‌های ناشی از قطعی برق به تجهیزات تولیدی و دستگاه‌های سردکننده خود طی چند سال اخیر که با کمبود تامین برق وارد شده، این نوع سرمایه‌گذاری، اقدامی ضروری و اقتصادی محسوب می‌شود. وی تاکید کرد: این اقدام، بخشی از برنامه بلندمدت خود در راستای تامین پایدار انرژی مجموعه‌ای شامل ۶ واحد تولیدی است و در صورت اتصال همه واحدهای تولیدی به انرژی خورشیدی، مجموعه تحت مدیریت وی در آینده به ظرفیتی حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ کیلووات نیاز خواهد داشت. به گفته وی، فضای مناسب برای اجرای این طرح در پشت‌بام واحدهای تولیدی خود بین ۸ تا ۱۰ هزار مترمربع است که برآورد اولیه نشان می‌دهد در شرایط کنونی اجرای کامل طرح و تامین برق واحدهای تولیدی از طریق انرژی خورشیدی، به ۵۰۰

« آگهی ثبتی »

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۷۱۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۸ و ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاس ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ و ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ تصرفات ملکانه و برپا معارض متقاضی خانم مایه جان توکلی فرزند خوجه قلی شماره شناسنامه ۱۴۹ کادملی ۱۴۹۹۷-۶۰۴۷۷ صادره آق قلا در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۴۸۳۷/۹۳ مترمربع مفروز و مچگی شده جزئی از پلاک شماره دو اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه دوگونچی، بخش شش حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شارنویت اول: سه شنبه: ۱۴۰۵.۰۷.۲۸

تشارنویت دوم: چهارشنبه: ۱۴۰۵.۰۸.۱۳

احمد نبویان - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا - از طرف علی
برقی م الف: ۷۷۸

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش‌دانگ اعیانی زمین زراعی بانضمام ۳۱ سهم مشاع از ۳۶ سهم عرصه که مقدار ۵ سهم از ۳۶ سهم وقف می باشد به مساحت ۱۵۸/۶ مترمربع به پلاک ۴۲۲ فرعی از ۹۰ اصلی واقع در اراضی کماسی ملکی مهرانگیس محمدی زیارتی فرزند مرتضی ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ در محل وقوع ملک واقع در شهرستان گرگان، اراضی کماسی بازدید به عمل خواهد آمد و اگر روز تحدید حدود تعطیل باشد روز بعد از تعطیلی انجام می گردد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا یا ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار سه شنبه: ۱۴۰۵/۰۷/۲۸

سید عیسی میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقہ دو گرگان از
طرف مہناز جہانفر - شناسہ آگہ ۲۳۰۵۷۶۴

مفقودی

گواهی موقت پایان تحصیلات در
رشته مهندسی شیمی - صنایع گاز
(کارشناسی پیوسته) از دانشگاه
آزاد اسلامی واحد قوچان متعلق
به محمدرضا تاجدار نصرآبادی
فرزند رضا به شماره شناسنامه
۲۱۱۰۱۰۹۰۲۵ مفقود گردیده و از
درجه اعتبار ساقط می باشد.

«

درد دل کشاورزان گندم کار

عبدالشکور تاتار



چند سالی هست که کشاورزان و دهقانان در ایران و بخصوص در ترکمن صحرا، بعلت شیوهی قیمت گذاری نادرست و تحمیلی بهای گندم و قطع سوبسیدها و افزایش قیمت تمام شدهی محصول در واحد سطح و غیره و با عدم توازن دخل و خرج که نارضایتی شدیدی را بهمراه دارد، روزگار خوشی را سپری نمی کنند. کشاورزان با هزاران امید و آرزو و به امید کسب روزی حلال، فعالیت شان را آغاز می کنند. از شخم زدن و آماده کردن زمین تا تهیه بذر و کود و آرزوی بارش باران و رویش گندم و جو و به امید محصولی که درو کند و روزگار سال به سال سخت شده اش را بچرخاند.

مشکلات از همان اول کار شروع می شود:

می خواهد بذری را که برای کاشت نگاه داشته است را به موقع، بوجاری و آمادهی کشت کند، ولی بعلت کافی نبودن دستگاه های بوجاری مشکلاتی را ایجاد می کند.

تهیه و تامین کود مورد نیاز مردم را که خیلی راحت می شود با برنامه ریزی مناسب توسط مسئولان ذیربط از قبل تدارک دیده شده و به موقع به دست کشاورز رساند نیز، همواره بعلت عدم مدیریت صحیح، پیچیده می گردانند. تامین و تدارک تراکتور برای شخم زدن زمین و مرحلهی کاشت هم داستان خودش را دارد. کشاورز می خواهد به موقع زمین اش را بکارد که نوبت دهی و هماهنگی با صاحب تراکتور و بعضا عمل نکردن به زمان تعیین شده از یکطرف و تامین هزینهی کشت که هرساله نسبت به تورم افزایش می باید از طرف دیگر هم مزیت بر علت می شود. نوبت به کودپاشی می رسد و همه دوست دارند قبل از بارش باران کار کودپاشی شان را انجام بدهند که باعث ترافیک شدید می شود. سمپاشی هم که سوای رو به فزونی سرسام آور هر ساله قیمت سم،

داستان مشابهی با کودپاشی دارد. خلاصه اگر باد و باران و مه و خورشید و فلک، همه در کار باشند و محصولی برای درو، (که انشاءالله برای همه باشد) می رسیم به قرار و مدار تعیین وقت درو و به انتظار نشینی برای کمباینی که بیشتر اوقات به موقع ردیف نمی شود. و کامیون و کامیوندارانی که علیرغم افزایش بی رویه و نامناسب کرایهی حمل در زمان درو، همیشه با کلی منت و طاقچه بالا گذاشتن بخاطر صف طولانی (ناشی از باز نشدن به موقع سیلوه ها همزمان با فصل درو در ترکمن صحرا که زودتر از سایر مناطق انجام می شود) و زمان بر بودن تحویل گندم به سیلوه ها و غیره، کار حمل را انجام می دهند. از تمام این ها که بگذریم، می رسیم به دولتمردان و دولتی که سوای قیمت گذاری بسیار نادرست در مقابل سایر محصولات کشاورزی، نسبه می خرنند و با جان به

رهایی از شلوغی؛

آشپزخانه های با حداقل وسایل



قالب های کیک خاص)، باید در بالاترین و دورترین نقطه کابینت یا در انباری نگهداری شوند.

فیلتر کیفیت در برابر کمیت: در فرهنگ ایرانی، خرید ست های بزرگ رواج دارد. اگر به جای نگه داشتن ده بشقاب رنگ و رو رفته، سه یا چهار دست بشقاب باکیفیت که واقعا دوستان دارید نگه دارید، کیفیت زندگی شما بالاتر می رود.

بهینه سازی فضا با ترندهای ایرانی

مینیمالیسم بدون سازماندهی هوشمندانه ممکن نیست. تمرکز بر فضای عمودی کلید حل مشکل کابینت های کوچک است:

استفاده از طبقات مجزا: برای کابینت های ظروف، از طبقات فلزی یا پلاستیکی کوچک برای ایجاد دو یا سه سطح مجزا استفاده کنید تا بشقاب ها و کاسه ها روی هم انباشته نشوند و دسترسی آسان تر شود.

دیوار آشپزخانه ابزار شماست: برای ابزارهایی مانند ملاقه ها، کفگیرها و حتی ادویه جات کوچک، از ریل ها و آویزهای دیواری استفاده کنید. این

آشپزخانه ایرانی، قلب خانه، اغلب میزبان انبوهی از وسایل غیرفعال است که انرژی و زمان ما را می گیرد. مینیمالیسم، راهی برای تبدیل این آشفتگی به یک مرکز کارآمد است؛ جایی که هر وسیله، ارزش واقعی خود را دارد. اما سؤال اینجاست: چگونه می توانیم با حذف هوشمندانه اضافات، به سادگی به یک آشپزخانه آرام، زیبا و کاملاً تحت کنترل دست یابیم؟ به گزارش ایرنا زندگی، آشپزخانه ایرانی، به طور سنتی، قلب خانه و محلی برای انباشت ظروف، ادویه ها، و وسایل دم دستی است. اما در دنیای پرشتاب امروز، این انباشتگی اغلب منجر به استرس، هدر رفتن زمان برای یافتن وسایل و افزایش هزینه های خرید تکراری می شود. مینیمالیسم در آشپزخانه به معنای خالی کردن کامل آن نیست، بلکه به معنای نگه داشتن تنها ابزارهایی است که به طور مداوم و فعالانه در فرآیند پخت و پز روزانه شما نقش دارند. هدف این گزارش، ارائه یک راهنمای عملی برای رسیدن به یک آشپزخانه کارآمد، زیبا و آرامش بخش است.

کالبدشکافی آشپزخانه فعلی

اولین قدم برای رسیدن به مینیمالیسم، شناسایی دقیق دارایی های فعلی است. این فرآیند باید سیستمی و بدون احساسات باشد:

تخلیه کامل: تمامی کابینت ها، کشوها و قفسه ها را به طور کامل خالی کنید و همه چیز را روی میز یا زمین بچینید. این کار به شما درک بصری دقیقی از حجم وسایلتان می دهد.

دسته بندی کارکردی: وسایل را بر اساس کارکرد دسته بندی کنید مثلاً پخت و پز (قابلمه ها)، سرو (بشقاب ها)، ابزارهای تخصصی (همزن ها، قالب ها) و مواد اولیه (ادویه ها، حبوبات).

قانون تکرار: به ازای هر وسیله ای که بیش از ۶ ماه از آن استفاده نکرده اید (به جز وسایل بسیار تخصصی مانند دیگ های نذری یا ظروف مناسبتی)، یک علامت سوال بزرگ بزنید. آیا برای یک وسیله، سه یا چهار مدل مشابه دارید؟ (مثلاً سه سایز آبکش یا پنج نوع کفگیر). فقط نمونه ای که بهترین عملکرد را دارد نگه دارید.

قانون ۳۰ روز و فیلترهای ایرانی برای تصمیم گیری

تصمیم گیری برای دور انداختن وسایل، سخت ترین بخش است. برای غلبه بر این چالش، از فیلترهای زیر استفاده کنید:

قانون ۳۰ روز: وسیله ای را که شک دارید نگه دارید، در یک جعبه قرار داده و روی آن تاریخ بزنید. اگر ظرف ۳۰ روز به هیچ عنوان به آن نیاز پیدا نکردید، بدون باز کردن جعبه، آن را اهدا یا دور بریزید.

فیلتر کاربرد روزانه: از خود بپرسید: آیا این وسیله (ظرف، ابزار، روزانه، هفتگی یا ماهانه استفاده می شود؟ وسایلی که فقط برای یک یا دو مناسبت در سال استفاده می شوند (مانند سرویس های پذیرایی خیلی لوکس یا

کار فضای کشو را برای ابزارهای حیاتی تر آزاد می کند.

سازماندهی کشو با جداکننده ها: مهم ترین بخش، کشوی قاشق و چنگال است. از جداکننده ها استفاده کنید تا هر وسیله جای مشخصی داشته باشد و دیگر نیازی به جستجو نباشد.

حذف بسته بندی های غیرضروری: تمامی ظروف پلاستیکی را خالی کرده و آن ها را بر اساس اندازه روی هم بگذارید. درها و بدنه ها باید جدا باشند تا فشرده تر جای بگیرند.

مدیریت مواد غذایی و کاهش هدررفت

آشپزخانه مینیمال، آشپزخانه ای است که مواد غذایی آن تازه باقی می ماند و دور ریختنی ندارند:

سیستم FIFO برای مواد خشک: اصل اولین ورودی، اولین خروجی که در دنیای مدیریت انبار به آن FIFO می گویند، یک قانون ساده برای جلوگیری از کهنه شدن مواد غذایی خشک شماست. برای حبوبات، برنج، و ادویه ها، این بدان معناست که شما باید همیشه مواد جدیدی که خریداری می کنید را پشت سر مواد قدیمی تر قرار دهید. به این ترتیب، هر بار که به سراغ یک ماده می روید، به طور غریزی قدیمی ترین بسته را برمی دارید و مصرف می کنید. این روش به طور مؤثری از فراموش شدن بسته هایی که در عمق کابینت ها پنهان شده اند، جلوگیری می کند. با اجرای مداوم این سیستم، اطمینان حاصل می کنید که تمام محتویات آشپزخانه شما به طور متوازن و در زمان مناسب مصرف می شوند، نه اینکه مجبور شوید در نهایت حجم زیادی از مواد تاریخ گذشته را دور بریزید.

ادویه جات؛ تمرکز بر تازگی: بسیاری از ادویه های ایرانی (مانند زردچوبه یا هل) پس از یک سال عطر خود را از دست می دهند. فقط مقداری را که مطمئن هستید در ۶ ماه آینده مصرف می کنید، در بسته بندی کوچک نگهداری کنید. مابقی را در جای تاریک و خنک یا فریز کنید.

ایستگاه سبزیجات: یک سبد یا کشو در یخچال را به ایستگاه سبزیجات روزانه اختصاص دهید. سبزیجاتی که باید زودتر مصرف شوند (مثل جعفری یا گشنیز) در این قسمت قرار می گیرند تا هنگام باز کردن یخچال اولین چیزی باشند که به چشم می آیند.

آرامش در سادگی

دستیابی به آشپزخانه مینیمال یک هدف نیست، بلکه یک سفر مداوم است. با حذف این اضافات، شما نه تنها فضای فیزیکی بیشتری ایجاد می کنید، بلکه با کاهش حواس پرتی بصری، تمرکز بیشتری در زمان آشپزی خواهید داشت و در نهایت، با خرید هوشمندانه تر، هزینه های خانوار را کنترل می کنید. آشپزخانه مینیمال، فضایی است که در آن خلاقیت و لذت آشپزی شکوفا می شود، نه استرس ناشی از شلوغی.

سرمایه‌گذار چینی آنرا رسانه‌ای کرد و گفت: با تلاش‌های تیم مدیریتی استان، راه ورود سرمایه‌گذاران چینی به منطقه آزاد اینچه‌برون هموار شد. علی‌اصغر طهماسبی افزود: تمام فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دارد و متقاضیان می‌توانند در حوزه لجستیک و در درجه دوم صادرات و واردات با محوریت منطقه آزاد اینچه‌برون فعالیت کنند. وی بایان اینکه این سرمایه‌گذاران هم از چین به ایران صادرات دارند و هم از ایران به مقصد چین و قزاقستان واردات خواهند داشت، اضافه کرد: در مرحله نخست مبنای سرمایه‌گذاری این افراد ۱۰۰ میلیون دلار است که تا یک میلیارد دلار هم خواهد رسید. علاقه به سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اینچه برون صرفا مختص چینی‌ها نیست بلکه روس‌ها و قزاق‌ها چند روز قبل از حضور سرمایه‌گذاران چینی در گلستان یعنی ۱۸ شهریور امسال در تهران و دفتر وزیر راه و شهرسازی مبادرت به امضای اسنادی جهت سرمایه‌گذاری در مرکز لجستیک اینچه‌برون به ارزش ۳۰۰ هزار میلیارد ریال کردند. «فرزانه صادق» وزیر راه و شهرسازی در مراسم امضای این اسناد به موقعیت استراتژیک و راهبردی اینچه برون اشاره و تصریح کرد: اینچه‌برون دروازه ایران به سمت کشورهای آسیای مرکزی و اوراسیاست و می‌تواند در مسیر ورود و خروج کالا از چین، از طریق کشورهای آسیای مرکزی و ایران، و ارتباط با بازارهای اروپایی نقش مهمی ایفا کند. اعلام آمادگی کشورهای مرکز و شرق آسیا برای سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اینچه‌برون نشانی دیگر از اهمیت این منطقه و تلاش هدمند دولت چهاردهم برای استفاده بهینه از این نقطه مرزی برای بهره‌مندی از ظرفیت بازار ۳۰۰ میلیون نفری اوراسیاست که بیشتر به نفع صنایع، تجار و واحدهای تولیدی داخلی است.

شبکه ریلی متصل به آسیای میانه وجه تمایز منطقه آزاد اینچه‌برون

منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون به گفته کارشناسان اقتصادی، تنها منطقه آزاد کشور است که به‌صورت مستقیم به شبکه ریلی آسیای مرکزی متصل بوده و همین ویژگی، مزیت رقابتی ویژه‌ای برای آن ایجاد کرده است ظرفیتی که می‌توان با بهره‌گیری از آن گلستان را به یکی از حلقه‌های مهم زنجیره تجارت میان ایران، آسیای میانه، روسیه و سایر بازارهای منطقه تبدیل کند. با این حال تکمیل زیرساخت‌های ریلی در اینچه‌برون بویژه ایجاد خطوط عریض و در ادامه ایجاد خط ریلی اینچه برون - گنبدکاووس - آزادشهر - شاهرود جهت اتصال آن به کریدور شمال به جنوب است نکته‌ای که مدیرعامل راه آهن جمهوری اسلامی هم روی آن تاکید دارد. جبارعلی ذاکری هفت مرداد امسال در جلسه‌ای با «محمود صابر» معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی امور حقوقی دستگاه‌های اجرایی کشور در گرگان گفته بود که ترانزیت کالا در اینچه‌برون به دلیل کمبود زیرساخت‌ها قفل است. وی افزود: درحالی که هدف‌گذاری ترانزیت ریلی از منطقه آزاد اینچه‌برون برای امسال ۱۰ میلیون تن تعیین شده بود، به دلیل وجود ۴ خط ریلی فعال به جای ۴۰ خط مورد نیاز، شبکه قفل شده و ۱۵ قطار حامل کالا در ایستگاه‌های اتوک و ترکمنستان زمین گیر شده‌اند. ذاکری با انتقاد از توقف عملیات اجرایی توسعه مرکز لجستیک منطقه آزاد اینچه‌برون از سال ۱۴۰۱ و فرار سرمایه‌گذاران به دلیل بلاکلیفی، تاکید کرد: اگر طرح جامع توسعه این مجموعه به سرانجام برسد، می‌توانیم حجم مبادلات را به مراتب افزایش دهیم. مدیرعامل راه‌آهن ایران به یکی از مهم‌ترین گره‌های فنی پایانه ریلی اینچه‌برون اشاره کرد و گفت: بخش عمده بارهای ورودی از خط عریض (استاندارد روسی) وارد می‌شوند اما زیرساخت تبدیل آن‌ها به خط نرمال (استاندارد اروپایی) در این منطقه فراهم نیست. وی ادامه داد: برای انتقال بار بین این دو خط، به جای استفاده از جرثقیل‌های مدرن و سریع مجبوریم با جرثقیل‌های موجود، کانتینرها را بلند کرده، روی زمین بگذاریم و سپس به واگن نرمال منتقل کنیم که این فرآیند کند و پاکیزه، هم هزینه‌های عملیاتی را افزایش داده و هم زمان سیر انجام کار را به شدت طولانی کرده است. با همه اقدامات انجام شده و درحال انجام و همچنین برخی کمبودهای زیرساختی، به باور کارشناسان اقتصادی و اجتماعی، منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون و چشم انداز روشن آینده آن می‌تواند علاوه بر توسعه تجارت خارجی و رونق اقتصادی شهرستان، برای اهالی استان کم‌برخوردار گلستان که سرانه درآمدی آنها، نصف سرانه مردم ایران است، رونق اقتصادی، ایجاد درآمد و اشتغال پایدار ایجاد کند. کارشناسان معتقدند: بر خورداری گلستان از مرز مشترک با ترکمنستان، موقعیت ویژه ارتباطی و ترانزیتی، ظرفیت‌های تجاری و اقتصادی و همچنین قربات‌های فرهنگی، دینی میان مردمان دو سوی مرز، فرصت ارزشمندی برای توسعه مناسبات منطقه آزاد اینچه‌برون فراهم کرده که استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود برای تسهیل مبادلات تجاری، تقویت تعاملات مرزی، توسعه صادرات و واردات و ایجاد زمینه برای اجرای پروژه‌ها و اقدامات مشترک را بیشتر می‌کند.

منطقه آزاد اینچه‌برون پر در آمد، اشتغالزا و امید آفرین



یابد. ملک حسینی با اشاره به وسعت ۱۲ هزار هکتاری منطقه آزاد اینچه‌برون، اضافه کرد: مطالعات اجرای زیرساخت‌های گوناگون در این منطقه تجاری صنعتی و مطابق با طرح‌های جامع و تفصیلی و نیز پدافند غیرعامل آن صورت گرفته و زمین لازم به سرمایه‌گذاران تحویل داده می‌شود. مدیرعامل سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون ادامه داد: علاوه بر ظرفیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از ظرفیت کشورهای همسایه بویژه کشورهای آسیای میانه برای اجرای برخی پروژه‌های مشترک در این منطقه استفاده خواهد شد. وی با اشاره به ظرفیت بسیار خوب منطقه آزاد تجاری اینچه‌برون و چشم انداز آینده آن، بیان کرد: این منطقه که ذی نفعان آن افراد بومی، استانی، ملی و فراملی هستند، ظرفیت ایجاد ۵۰ هزار شغل طی یک دوره ۲۰ ساله را دارد. ملک حسینی از ثبت بیش از ۸۰۰ شرکت سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد تجاری اینچه برون هم خبر داد و افزود: ۱۵ مورد از این شرکت‌ها سهامدار خارجی دارند. وی همچنین با قدردانی از تلاش دولت و بخش خصوصی برای ایجاد زیرساخت‌ها در این منطقه، بیان کرد: فقط در حوزه لجستیک، انبارها و ایجاد ظرفیت بارگیری و تخلیه در منطقه آزاد اینچه‌برون در ۱۵ سال گذشته و توسط راه آهن فقط سالانه ۳۵۰ هزار تن کالا بود اما در ۱۸ ماه گذشته این ظرفیت به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن رسیده است. مدیرعامل سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه برون ادامه داد: ظرفیت انبارهای مرکز لجستیک راه آهن اینچه برون نیز تا قبل از تأسیس منطقه آزاد تنها پنج هزار تن بود که این رقم اکنون به ۷۰ هزار تن افزایش یافته است. ملک حسینی درخصوص واردات خودرو و مرکز شماره‌گذاری منطقه آزاد تجاری اینچه‌برون نیز گفت: تاکنون سه هزار خودرو و وارداتی پلاک‌گذاری شدند و ۸۰۰ خودروی دیگر هم در نوبت شماره‌گذاری هستند که تاثیر خوبی بر کاهش قیمت خودروهای وارداتی داشته است. وی از اخذ مجوز حفر سه حلقه چاه آب، اخذ مجوز تصفیه ۲۰ میلیون مترمکعب آب پساب و ۵۰ میلیون مترمکعب از دریا برای تأمین آب مورد نیاز واحدهای صنعتی و اخذ مجوز ایجاد خط انتقال برق ۲۳۰ کیلوولت به طول ۵۲ کیلومتر از نیروگاه برق علی آبادکول از وزارت نیرو خبر داد و اضافه کرد: عملیات اجرایی این پروژه‌ها به همراه احداث سه کیلومتر خط عریض ریلی، تاپایان امسال آغاز خواهد شود.

اینچه‌برون مقصد جدید سرمایه‌گذاران چین، روسیه و قزاقستان

اهمیت جغرافیایی و استراتژیک منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون و چشم انداز آینده آن در صادرات و واردات کالاهای دیگر کشورها از جمله چین، روسیه و قزاقستان را به سرمایه‌گذاری در این منطقه ترغیب کرده است نکته‌ای که استاندار گلستان ۲۲ شهریور امسال پس از نشست با چند

گنبدکاووس برای بهره‌مندی از مزایای این منطقه بویژه خرید خودروهای خارجی با کیفیت و ارزان و نیز ایجاد فرصت‌های اشتغالزایی و رونق اقتصادی آن دغدغه دارند که درست است. وی گفت: تمامی زیرساخت‌های ایجاد شده و یا درحال انجام منطقه آزاد تجاری اینچه‌برون با نظارت دقیق مجموعه مدیران آن صورت می‌گیرد به همین جهت این منطقه اکنون الگویی برای دیگر مناطق آزاد کشور شده است. آق آرکاکلی همچنین منطقه آزاد اینچه‌برون را حاصل و ارمان هم‌دلی قوای سه‌گانه و نیروهای تاهمین کننده امنیت در کشور و استان گلستان دانست و افزود: این یک پروژه ملی است و همه روی آن حساس هستند زیرا بدون هیچ تردیدی بر رونق اقتصادی و توسعه گلستان و کشور اثر مثبت خواهد داشت. وی اضافه کرد: منطقه آزاد اینچه برون اکنون روی یک ریل درست توسعه قرار گرفته و در چشم انداز ۱۰ ساله خود علاوه بر شکوفایی اقتصاد گلستان با ایجاد ۴۰ تا ۵۰ هزار فرصت شغلی به رفع معضل بیکاری جوانان این استان و مهاجرت معکوس و بازگشت نیروهای کار این استان که به دیگر نقاط کشور و یا خارج کشور رفته‌اند، کمک زیادی می‌کند. نکته‌ای که «ناصر عالمی» یکی از جوانان شهر مرزی کرند از توابع بخش کم‌برخودار «داشلی برون» گنبدکاووس آنرا تایید و گفت: از زمان شروع ساخت و سازها در منطقه آزاد اینچه‌برون من و چند نفر از دوستانم که بیکار بودیم، دارای شغل شده و مخارج زندگی خود و خانواده مان را تأمین می‌کنیم. وی افزود: بسیاری از جوانان بخش داشلی برون به‌دلیل نبود فرصت‌های شغلی در منطقه برای کار به دیگر شهرها، استان‌ها و حتی خارج کشور می‌رفتند اما اکنون تعدادی قابل توجهی از آنها برگشته و در منطقه آزاد اینچه‌برون و نزدیک خانواده خانواده و مردم منطقه خود مشغول فعالیت شدند. عالمی ابراز امیدواری کرد با ادامه ساخت و سازهای منطقه آزاد اینچه‌برون و نیاز به نیروی کار بیشتر شاهد حضور بیش از پیش جوانان روستایی و شهرهای همجوار در این منطقه و عدم مهاجرت آنها باشیم.

سرمایه‌گذاری ۱۱۰ هزار میلیارد ریال در منطقه آزاد اینچه‌برون

به گفته مدیرعامل سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون طی ۱۸ ماه گذشته و درسایه حمایت دولت چهاردهم و مدیران استانی آن تاکنون افزون بر ۱۱۰ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری برای ایجاد زیرساخت‌های این منطقه انجام شده که بیشتر آن توسط بخش خصوصی بوده است. حسن ملک حسینی افزود: در این مدت زیرساخت‌های بسیار خوبی در منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون و در زون‌های «صنعتی، خدماتی و رفاهی، تجاری و گردشگری» آن انجام شده یا انجام است. به گفته وی، قرار است حجم سرمایه‌گذاری‌ها در برنامه چشم‌انداز ۱۰ تا ۲۰ ساله منطقه آزاد اینچه‌برون حداقل تا ۲ برابر سرمایه‌گذاری فعلی انجام شده، یعنی ۲۲۰ هزار میلیارد ریال دیگر، افزایش

منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون گلستان به باور کارشناسان، دروازه تجارت با آسیای میانه و شرق این قاره کهن است و با این نگاه، طی ۲ سال سکانداری دولت چهاردهم اقدامات زیرساختی خوبی در آن به اجرا درآمده که امیدها را برای رونق بیش از پیش تجارت خارجی از این نقطه مرزی، ایجاد درآمد و اشتغال برای اهالی این استان شمالی بویژه مرزنشینان آن دوچندان کرده است. به گزارش ایرنا، تصویب منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون اگرچه موجب خوشحالی مردم و فعالان اقتصادی گلستان شد اما حدود سه سال این مصوبه روی کاغذ مانده بود و اقدام اجرایی خاصی توسط دولت وقت و مدیران استانی انجام نشد تا اینکه با روی کار آمدن دولت چهاردهم و نگاه کارشناسی و توسعه محور آن به مسائل اقتصادی و معیشتی مردم، ایجاد زیرساخت‌های این منطقه با مشارکت بخش خصوصی آغاز شد و شتاب خوبی گرفت. رونق ساخت و سازها و ایجاد زیرساخت‌ها در منطقه آزاد اینچه‌برون و حتی تغییر سیمای منظری خانه‌ها و ساخت واحدهای تجاری و پذیرایی نسبتا مدرن در نزدیکترین روستا به این منطقه یعنی «تنگلی» فقط باحضور در این نقطه مرزی به‌خوبی نمایان است. از حصارکشی با سازه‌های بتنی بخشی از ۱۲ هزار هکتار اراضی تا ساخت انبارهایی با ظرفیت ۷۰ هزار تن و وجود هزاران کانتینر و صدها خودروی وارداتی در محوطه مرکز لجستیک، ساماندهی بازارچه تیرپارک و فاز نخست مرکز خدمات رفاهی آن ویژه رانندگان خودروهای سنگین داخلی و ترانزیت با ظرفیت ۱۵۰ نفر، چشم هر بیننده‌ای را به‌خود جلب می‌کند. محوطه‌سازی‌های انجام شده در بخشی از منطقه آزاد تجاری اینچه‌برون در محدوده ورودی به این منطقه و بازارچه تیرپارک و مرکز رفاهی و خدماتی آن، برپایی ۲۴ آلاچیق ترکمنی که نیمی از آن برای طبخ و عرضه انواع غذا و نان سنتی ترکمن و ۵۰ درصد دیگر آن هم به غرفه‌هایی برای عرضه انواع صنایع دستی برآمده از سرانگشتان ظریف دختران و زنان اقوام ایرانی و ترکمن گلستان اختصاص دارد و ساختمان درحال ساخت اداری، ایجاد فضای سبز با کاشت درختان متناسب با شرایط اقلیمی گرم و خشک و برخی پروژه‌های عمرانی دیگر مانند نمایشگاه روباز عرضه خودروهای خارجی از دیگر اقدامات زیرساختی انجام شده و یا درحال انجام این منطقه هستند. مشاهده این اقدامات و نیز مجموعه بزرگ تجاری و تفریحی درحال ساخت «ماری گل» برگرفته از نوعی نقش قالی ترکمن در زمینی به مساحت ۱۰ هکتار و با زیربنای ۵۰ هزار مترمربع و حجم سرمایه‌گذاری اولیه ۱۲ هزار میلیارد ریال که به گفته مجری طرح تا ۲۰ هزار میلیارد ریال قابل افزایش خواهد بود این منطقه آزاد تجاری تازه تأسیس را به کارگاه بزرگ عمرانی تبدیل کرده است. فعالیت و رونق نسبتا شلوغ مرکز شماره‌گذاری خودرو منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون و حضور صدها تریلی داخلی و ترانزیت برای انتقال کانتینرهای دیو شده و یا خودروها پارک شده در مرکز لجستیک به مقصد استان‌های دیگر و یا کشورهای همسایه، برگ زرین و سند دیگری از اقدامات دولت چهاردهم برای شتاب بخشی به ایجاد زیرساخت‌های این منطقه و آینده درخشان آن در توسعه تجارت خارجی، رونق اقتصادی، رانندازی واحدهای تولیدی و صنعتی، ایجاد درآمد و اشتغال است.

اقدامات زیرساختی ۱۸ ماه گذشته معادل ۱۰ سال است

به گفته نماینده مردم گنبدکاووس در مجلس شورای اسلامی، حجم اقدامات انجام شده زیرساختی و عمرانی در منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون طی ۱۸ ماه گذشته و به ارزش ۱۱۰ هزار میلیارد ریال (۱۱ همت) به گواه «دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد کشور و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» به اندازه ۱۰ سال بوده که قابل تقدیر است. عبدالحکیم آق آرکاکلی با ابراز رضایت از روند بسیار خوب ساخت زیرساخت‌ها در منطقه آزاد اینچه برون افزود: این منطقه و پایانه مرزی آن از گلوگاه‌های حیاتی و لجستیک ایران برای توسعه مناسبات تجاری و اقتصادی با کشورهای آسیای میانه بویژه در شرایط فعلی کشور است. وی بایان اینکه منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه‌برون در مقایسه با ۹ منطقه دیگر که با هم مجوز رانندازی آنها صادر شد، بسیار جلوتر است، اضافه کرد: به عنوان مثال انجام برخی زیرساخت‌های این منطقه از جمله مرکز لجستیک تخلیه و بارگیری آن در زمینی به‌مساحت ۱۰ هکتار و سرمایه‌گذاری ۱۲ میلیون یورویی از اقدامات کم نظیر بوده است. آق آرکاکلی با قدردانی از مشارکت فعال بخش خصوصی در انجام زیرساخت‌های منطقه آزاد اینچه برون، اضافه کرد: نگاه دولت، مجلس، مقام معظم رهبری، سازمان مناطق آزاد کشور و مدیران استانی حمایت از بخش خصوصی است و هرگونه سرمایه‌گذاری در این منطقه، هیچ قید و محدودیتی ندارد. نماینده مردم گنبدکاووس درمجلس شورای اسلامی همچنین باتاکید بر ضرورت شتاب بخشی به ایجاد و تکمیل زیرساخت‌های منطقه آزاد تجاری اینچه برون، ادامه داد: مردم گلستان و